

# نگاهی به سیمای اقتصاد جهان

## درس‌های دشوار جنگ

پایهٔ جنگ‌ها علاوه بر ابعاد نظامی و سیاسی، مسأله آثار اقتصادی خود را بر جامعه چنگیزه تحمیل می‌کند و ساختار اقتصاد در جنگ‌های طولانی و گسترده آسیب بیشتری دیده و مسائل حل‌ناپذیر می‌شود.

برای به گردش درآوردن چرخ اقتصاد در دوران جنگ لازم است که دولت‌های درگیر جنگ، با توجه به موقعیت اقتصادی خود با برنامه‌ریزی‌هایی به رفع موانع و مشکلات بپردازند.

در حقیقت روند سریع مسائل اقتصادی در طول جنگ مستلزم ایجاد شرایط جنگی در کل سطح جامعه است، به بیان دیگر دولت با به کنترل درآوردن تمامی شئون اقتصادی، علاوه بر یکسان سازی سطح مصرف بین اقشار مختلف، با سبسی کل جامعه را نیز با جنگ ملموس کند.

با توجه به این شرایط است که منابع مالی و نیروی انسانی نیز در جهت مسئله اساسی کشور که همانا جنگ است، بکار گرفته شده و کلیه بخش‌های منطقی تحت اشغال و در خدمت جنگ قرار می‌گیرد.

کشورهای درگیر جنگ، به خصوص در جنگ‌های اول و دوم جهانی، تجارب زیادی در این زمینه برده‌اند. اما آنان خصوصاً در جنگ جهانی دوم، توانسته‌اند اقتصاد خود را بر اساس شرایط جنگ تنظیم و تطبیق نموده و در دو مشکل عمده اقتصادی دوران جنگ، یعنی تأمین معاش و تعادل نیروهای جنگی و دیگری مبارزه با تورم و افزایش هزینه زندگی موفق شدند.

تجارب بدست آمده از اقتصاد جنگی این کشورها بیانگر کاهش مصرف در زمان جنگ، تبعه گریزی خط تولید در مسیر نیروهای جنگ، چگونگی اثر دوره کالاهای غیر ضروری و لوکس و به ناطق تولید و بالاخره رشد صنایع نظامی می‌باشد. از این رو جهت آشنائی هرچه بیشتر نسبت به اقتصاد زمان جنگ و اقدامات انجام شده در کشورهای چنگیزه (جنگ جهانی اول و دوم) بدون در نظر گرفتن ماهیت جنگ ها و دول درحال جنگ، گزارش حاضر که توسط

حیات سایر در سیمای جمهوری اسلامی ایران، کرده اقتصاد - شبکه ۱ تهیه شده به گوشه‌هایی از تجارب اقتصادی کشورهای درگیر در جنگ جهانی اول و دیگر جنگ‌های منطقه‌ای پرداخته است.



### جنگ جهانی اول

جنگ جهانی اول روبرو اول ماه اوت ۱۹۱۴ آغاز شد. مقدمت این جنگ که از چندین سال پیش فراهم می‌شد و برای هر دو طرفه جنگی امپریالیستی بود ولی آلمان برای ویژه نظمیان این کشور، خواستار آغاز هر چه روبرو خصامات بودند زیرا آلمان از لحاظ نظامی در دیگران برتری داشت و احتمال آن میرفت که با گذشت زمان، این برتری از دست برود.

آلمان و متحد دیگرش اتریش، از فرسی که در اثر استقلال فرانسه برداشته و همچنین اتریش پیش آمده بود استفاده کردند و اوضاع داخلی را به مرحله اشغال رساندند. اتریش اتریش با آلمان و به سرانجام داد که به هیچ وجه پذیرفتنی نبود و نهایت آن به این کشور اعلان جنگ داد. در نتیجه آماده پاش عمومی اعلام شد و آلمان در روز اول ماه مه به روسیه اعلان جنگ داد. روز سوم اوت آلمان

به فرانسه اعلان جنگ داد و روز چهارم اوت به بلژیک پرتوی بود به محض تجاوز آلمان به بلژیک، انگلستان نیز به جنگ پیوسته. اتریش آلمان سرعاً مقاومت بلژیک را ازهم گویید و به سوی فرانسه پیش تاخت. دهری گذشت که آلمان به پشتیبانی از سلفین و ترکیه به پشتیبانی از اتریش و آلمان وارد جنگ شدند.

به این ترتیب در عرض سه ماه، آلمان اتریش، ترکیه و مجارستان علیه سرزمین روسیه، فرانسه، بلژیک، انگلستان و ژاپن قیام کردند. اینها در آغاز بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی بعداً با طرفداری از سلفین پرهیزت.

زبان‌های جنگی و مالی جنگ جهانی اول که ۱۹۱۵ روز طول کشیده سرسام آور بود در طی این جنگ حدود ۶۵ میلیون نفر از افراد بشر سیخ شده بودند. از این رقم ۹ میلیون نفر کشته شد. ۵ میلیون نفر نابینا و ۱۰ میلیون نفر بی‌اراده و زخمی شدند. ۱۵ میلیون نفر به شدت زخمی شدند. (۱)

### تجارب اقتصاد جنگ جهانی اول

اولین واقعه عده‌ای که باعث سقوط غرب از برج افتاد بود، شروع جنگ جهانی اول بود. این درگیری‌ها هزینه کلانی متجاوز از ۳۰۰ میلیارد دلار به همراه داشت. این هزینه در طرفی انجام گرفت که برای مقابله، درآمد ملی ایالات متحده در ایالات متحده ۱۰ میلیارد دلار بود. کشورهای اقتصادی ناشی از جنگ، کلیه کشورهای درگیر را دربر گرفت. بدون این کشورها باعث شد تا ترتیب کسب‌وکاران در جنگ، تهیه برنده‌های اقتصادی و ایجاد کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی را آغاز کنند.

جامعه اروپایی را اثر جنگ اول جهانی تاگزیر تغییرات اساسی بسیاری را به خود دیده که این تغییرات به مراتب بیشتر از خود جنگ دوام آورد. جنگ‌ها سیستم سرمایه داری به شکلی که فعلاً رواج یافته، نیولانی شده ایجاد کرد. اساسی سیستم قدیم سرمایه داری آن بود که دولت کلایه به امور بازرگانی نداشتند باشد و با نهایت دخالتی که دولت می‌کند، ترتیب پارهای شرایط عمومی باشد تا تحت آن شرایط افراد بتوانند به برتری‌شان در آتانه جنگ، عموم دولت متخاصم با داشتن به ارتباط و زبانی سیستم اقتصادی خود را شروع کرد و به حکومت‌ها در صدد برآمدند که بازرسی قرار داد و حکومت‌ها در صدد برآمدند که کلیه گروه‌های منافع و اطلاعات جامعه را هم راه انجام مقصد واحدی سوزنی یافتند.

از آنجا که هیچکس انتظار جنگ در بلندمدت را نداشت، هیچکس برای سیخ صنایع داخلی ندیده بود. با رفع هر حاجتی تاگزیر بودند بلافاصله تعمیراتی بیندیشند تا سال ۱۹۱۵ در مرک از بول، صاحب یک سلسله تولیدی، شمشیر در حیات‌های مدیره، ادارات شوراها و کسبه‌سوزان‌ها که فرض از تمامی آنها هوادگر شدن ساختن اقدامات جنگی دولت بود. شدند هدف آن بود که از کلیه افراد کارآمد، مملکت به ندر آلمان استفاده کنند و کلیه منابع داخلی و آنچه را که حتی ایالات متحده درویش ممکن بود به تنگی مصرف کنند، که حاکمتر منابع باید کشور شود. موضوع تأمین و عرضه دولت‌ها با توجه به این واقعیت که کلیه کشورهای درگیر در جنگ، به استعداد ایالات متحد آمریکا و کشور شوروی همگی وارد کنند، مواد غذایی از خارج بودند، مسئله‌ای بسیار جدی بود. این

امر منجر به افزایش دخالت‌های دولت در کنترل مواد غذایی شد که در داخل تولید میشد. مواد غذایی قیمت گذاری شد و برشی از مواد غذایی بر اساس تعیین حاکم مقرر می‌شد. از این مواد مستثنی‌شده در اختیار هر فرد قرار گیرد. همبسته بندی و با حتی برشی از کالاهای در روزهای مشخص به فروش میرسد.

توجه کالاهای مورد نیاز مردم غیر نظامی با اجناسی که صرفاً جهت تجلی داشته به حداقل رسید. کارخانه‌داران دیگر مجاز نبودند که به میل خود کارخانه‌های را تأسیس یا منحل کنند. بدون موافقت دولت غیر ممکن بود کسی بتواند بنگاه جدیدی تاسیس کند زیرا تولید انواع مواد و ادوات عرضه تحت نظر دولت بود و مواد اولیه را فقط در دسترس کسی قرار می‌دادند که دولت ارائه میکرد. به همین نحو ابتلا مؤسسه‌ای که به نحوی از اشاعه کالاهای جنگی میساخت غیر ممکن بود.

نظارت در کلیه امور بازرگانی خارجی برعهده دولت بود. منتقدین اروپایی که حتی پیش از جنگ سازمان‌آشنان کمتر از واردات‌شان بود و اکنون کمترین سازمان‌آشنان را حتی ایالات کاش داده بودند فقط در صورتی امکان خرید کالاهای آمریکائی را داشتند که مبالغ گزافی از دولت آمریکا وام می‌گرفتند. هر دولتی اداره کشتی‌رانی ویژه‌ای داشت ساخت تا به هر قیمتی شده برنامه کشتی‌سازی خود را توسعه و کشتی‌های خود را به هرگونه مصرفی که در تناس برنامه‌های خود فروق العاده شوروی تشخیص میداد، از قبیل حمل سرباز، واردات کالاهای ضروری و خریدار اختصاص دهد.

سه تنه نظریاتی مالی جنگ دولت‌ها و ادوات ساخت که به ندر عشق تری به سوی برنامه‌ریزی و کنترل اقتصادی و مالیاتی این خود حرکت کنند، همه طرف‌های متخاصم، همکاری‌های جدیدی را وضع کردند. به منظور کنترل سوبهای با بودجه ناشی از جنگ، برای گروهی خاص، مبالغت بودجه افزایش یافت. مالیت برجامی لوکس و تجلی با این دید که از حرکت طرفی‌های تولیدی از تولید مواد و کالاهای اساسی به سوی این طرف تولیدات طولگرمی بود، برقرار شد و در مبالغت برطرف به منظور جلوگیری از مصرف کالاهای که کمتر عرضه میشد، به تصویب رسیده و سرانجام تمامی کشورهای درگیر در جنگ منابع درآمدی جدیدی را در اختیار گرفتند.

### وضعیت نیروها

یکی از مشکلات مهمی که دولت‌های اروپائی درگیر جنگ با آن مواجه بودند، کمبود نیروی انسانی بود. این کمبود جنگ به دلیل اشغال افراد به زیر پرچم برای همه‌های جنگ از سوی دولت‌ها انجام شده بود. باعث برقراری کنترل دولتی بر نیروی کار نیز شد.

از اولین اقدامات در این زمینه گزینش افراد برای انجام خدمات نظمی بود. یعنی افرادی برای انجام وظایف نظمی انتخاب شدند که از نقطه نظر اقتصادی مطلوبترین باشند. این کشورها بلافاصله و در مراحل اولیه جنگ برآمدند، که حضور نیروی‌های از تخصص‌های ویژه‌ای برخوردارند در میدان جنگ ممکن است منجر به کاهش تولید ساز و برگ نظمی شود و محدودیت ناشی از کمبود ابزار جنگی نیز نتیجه فعالیت افرادی که برای جنگ اعزام می‌شوند کاهش خواهد داد (بطور مثال آلمان و فرانسه کالاهای ماهر خود را در سال ۱۹۱۵ از جمله‌های جنگ خارج کردند).

زنان و جوانانی که هنوز به سنین مشمولیت نرسیده بودند، در کارهای تولیدی پذیرفته شدند. در فرانسه تعداد زنانی که در سال ۱۹۱۷ در صنایع کار میکردند ۲۹ درصد بیش از رقم سال ۱۹۱۱ بود. (۲)

فرانسه و انگلستان کارگران کشورهای مستعمره را به کنترولشان درآورد و تمامی دولت‌های درگیر جنگ، کارگران کشورهای مستعمره را از طریق پرداخت مستعمره‌های بالا، به

موردی از اقدام کرده برای رفع این مشکلات دولت اقدام به تشکیل کمیته‌های محلی در مسکنات مختلف کرد و کلیه کالاهای کسب توسط این کمیته‌ها سهمیه بندی می‌شد و بدست مصرف کنندگان می‌رسید.

## سیاست‌های مالی و بودجه‌ای دولت انگلیس

حکامیکه دولت در اوت سال ۱۹۱۷ اقدام به کنترل اقتصاد کشور کرد در زمینه مسائل مالی تجارب زیادی بدست آورده بود. در این مدت روشن شده بود که مالیات به خصوص بر زمان جنگ، نقش یوگانه دارد. مالیات از یک طرف منبع درآمد دولت محسوب می‌شود و از طرف دیگر منابع ملی غیر دولتی از طریق اخذ مالیات کاهش می‌یابد که نتیجه آن کاهش قدرت خرید مردم است. دولت بریتانیا با توجه به این طرز فکر که تنها راه حل مبارزه با تورم و نگرانی از زیاده روی مصرف‌هاست مالیات از مردم و شرکت‌ها و استقراض اجباری دولت از مردم است. تصمیم گرفت درآمد دولت را از طریق اخذ مالیات بیشتر افزایش دهد. وزیر دارایی بریتانیا برای تأمین بودجه مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها را به دو برابر افزایش داد.

مالیات‌های غیر مستقیم از جمله مالیات بر آجر و چای و مالیات‌های مستقیم نیز افزایش پیدا کرد. ولی به منظور فشار نیاوردن بر طبقه فقیر قسمت عمده مالیات‌ها، مربوط به مالیات مستقیم می‌شد.

شرکت‌های انگلیسی علاوه بر مالیات که بابت سود خود نام Income Tax دارد، سهامداران مالیات اضافی دیگری بنام عوارض بر سود اضافی نیز می‌پرداختند. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در زمان جنگ، بطور متوسط شرکت‌های انگلیسی ۶۳ درصد سود اضافی را بعنوان مالیات به دولت می‌پرداختند. ولی درآمد واقعی دولت از این محل (عوارض بر سود اضافی) فقط ۴۴ درصد سود اضافی شرکت‌ها بود زیرا این شرکت‌ها به عنوان یک منصف از جمله حساب سازی و تلفیقی‌های دیگر از پرداختن مالیات به دولت خودداری می‌کردند یا وجود این تا سال ۱۹۲۱ یک چهارم مالیات درونی دولت (۱۱۵۰ میلیون پوند) از محل عوارض بر سود اضافی شرکت‌ها تأمین می‌شد.

بطور خلاصه سهم مالیات‌های مستقیم دولت از کل مالیات‌های درونی از ۵/۵ درصد در سال ۱۹۱۴ تا ۸۰ درصد در دو سال آخر جنگ رسید. مالیات اجناس لوکس از جمله اتومبیل سواری، ساعت، آلات موسیقی و بلیت سینما نیز افزایش یافت. هدف از افزایش مالیات اجناس لوکس آن بود که هم واردات کالاهای غیر ضروری تشویق نشود و هم در ارز خارجی و فضای کشش‌های بازرگانی صرفه جویی شود.

با این وجود دولت انگلیس برای تأمین هزینه‌های خود به استقراض معمول شد که عاملی برای افزایش حجم پول بود. به خصوص که در جریان جنگ، نشر اسکناس دولت از پایه طلا جدا شد و اسکناس‌های بدون پشتوانه طلا منتشر ساخت. بانکها نیز در دادن اعتبار و وام آلتور که باید کنترل نمودند و در نتیجه حجم پول از ۳۱ میلیارد ۱۹۱۴ تا اوت ۱۹۱۹ یعنی در مدت ۶ سال نزدیک به دو برابر شد (۳)

بر اساس نظرات اکثر اقتصاددانان، سیاست بودجه‌ای دولت بریتانیا در زمان جنگ اول جهانی، مهم عاملی افزایش قیمت‌ها در زمان جنگ بوده است و سیاست پولی دولت نیز عامل دیگر تورم زمان جنگ تشخیص داده شده است. علاوه بر این، مصرف کنندگان و مغازه داران نیز با توجه به عدم اطمینان به آینده، باعث افزایش قیمت‌ها می‌شدند و همین جنبه‌های تورم زمان جنگ نیز مربوط به عواملی از قبیل کمبود مواد غذایی، از بین رفتن کالاهای در دنیا و نتیجتاً افزایش هزینه حمل و نقل دریایی، هزینه بیمه و هزینه واردات می‌شد.



سوی خود جلب کردند. بسیاری از مشاغل که سابق تصور می‌رفت، فقط اختصاص به مرها دارد. در اختیار زنها گذاشته شد. در نتیجه این اقدامات، تعداد کارگران عموماً کشورها به مراتب افزایش یافت.

**تجربه انگلستان در جنگ جهانی اول**

زمانیکه بریتانیا در هفتم اوت ۱۹۱۴ بر علیه آلمان و متحدین آن وارد جنگ شد. مقامات بریتانیا فکر می‌کردند که این جنگ کوتاه مدت خواهد بود. از آنجائیکه بریتانیا کشوری سرمایه‌داری بود و سرمایه‌داران کنترل اقتصادی کشور را در دست داشتند. لذا با هر گونه کوشش برای دخالت دولت در امور اقتصادی به شدت مخالفت می‌کردند. دولت مردان نیز برنامه ریزی و کنترل اقتصادی را جایز نمی‌دانستند. بررسی وضع اقتصادی انگلیس در دوران جنگ اول جهانی نشان می‌دهد که دولت این کشور بتدریج و برخلاف میل خود به سوی دخالت بیشتر در امور اقتصادی گامها برداشت. در همان اول جنگ، دولت به منظور تهیه مواد مورد نیاز جنگ، تریج میانه که به ماکسیمم بازرگانی و قانون عرضه و تقاضا منتهی باشد، ولی پس از گذشت مدت زمانی از آغاز جنگ، روشن شد که ماکسیمم بازرگانی سیستم قیمت‌ها نمی‌تواند به حال یک کشور در حال جنگ مقید باشد. بطور خلاصه شکست ماکسیمم بازرگانی در انگلستان به این دلیل بوده که:

\* در زمان جنگ دولتها با به

کنترل در آوردن، تعلیمی، تشویقات

اقتصادی، علاوه بر یکسان سازی

سطح مصرف بین اقشار مختلف، باید

کل جامعه را نیز با جنگ ملموس

کنند.

بطور کلی سهمیه بندی کالاهای خوراکی از جمله اقدامات مهم دولت بریتانیا در زمان جنگ بوده و انجام این وظیفه به عهده وزارت خواربار گذاشته شد. اولین کالاهای که سهمیه بندی شد گند و شکر بود و تا سپتامبر ۱۹۱۷ کالاهای خوراکی چون گوشت، کره حیوانی و گیاهی، چای و پنبه در دست چهار کمیته بود. این کمیته‌ها به دو عهده بوجه آمد، یکی آنکه کشش‌های حامل این کالاهای در دنیا فرقی نداشتند و دیگر آنکه مصرف کنندگان بعلت وحشت از آینده به خرید بیش از حد

- منابع کشور صرف تولید کالاهای لوکس می‌شد و دولت نمیتوانست کالاهای مورد نیاز جنگ را تهیه کند
- قیمت‌ها به سرعت افزایش می‌یافت.
- توزیع بودجه درآمد غیرعادی تر می‌شد.

حکومت نسبت به آن به سری رفتار میشد. اکنون اغلب فراوان یافت زیرا میخواستند مواد مورد نیاز جنگ را تهیه این مرکز کمباین زیر نظارت حکومت قرار گرفت. از این رو در سال های جنگ، سرمایه داران در هند چنگ انگلیسی و چه حتی میدان گشاده ای در برابر خود داشتند و با هیچگونه رقابت خارجی مواجه نمی شدند آنها از این فرصت استفاده می کردند تا سرمایه های خود را به هند نقل کرده و در هند سودهای سرشار بدست آورند.

در دوران جنگ جهانی سومین مرحله تسلط انگلیسی بر هند پس از گذشت یکصد سال آغاز شد. در این زمان تقریباً صنایع بزرگ، در هند مورد توجه حکومت بریتانیا قرار می گرفت و این کار با وجود اینکه تا اندازه ای با منافع صاحبان صنایع انگلیس تضاد داشته توسعه می یافت. دلایل این تغییر سیاست را میتوان بطور کلی چنین پنداشت که: - وابستگی و اختیارات زمان جنگ خود به خود به چنین تغییر وضعی کمک میکرد و موجب توسعه و پیشرفت صنعتی هند شد. این امر موجب می شد که طبقه سرمایه دار هند توسعه یابد و قدرت بیشتری پیدا کند.

**\* سطح زیر کشت محصولات کشاورزی در جنگ دوم در بریتانیا از ۴/۸ تا ۷/۲ میلیون هکتار رسید و با افزایش تولید در واحد سطح، واردات مربوط به کشاورزی ۸ درصد کاهش یافت.**

بطوریکه روز به روز برای رشد صنایع تسهیلات بیشتری فراهم شد طبقه سرمایه دار انگلیس نیز در صنعتی امکانات تازه ای بود که بتواند سودهای اضافی و سرمایه های تازه خود را در کشورهای عقب مانده و تکامل نیافته بکار اندازد و بالاخره آزمایش جنگ نشان داد. طبقه کشاورزی که در لحاظ صنعتی تکامل بسیار یافته بودند، می توانستند جنگ را به شکل مؤثری دنبال کنند. وقتی که تصمیم گرفته شد هند صنعتی شود، بریتانیا کمیونیکه دارای کثرت کوه و زمین حاصل خیز است در دست سرمایه داران انگلیسی باقی می ماند و سرمایه داران هندی در برابر آنها هم چون ترکان شگفت و ناچار می باشند که کار مهمی از ایشان ساخته نیافتند.

در دوران جنگ در سال ۱۹۱۶، کمیسیون صنعتی هند تعیین شد و دو سال بعد گزارش تهیه کرد که طی آن توصیه شد صنایع هند باید از طرف حکومت مورد تشویق قرار گیرد و روش های صنعتی تازه باید در نظر گرفته شود. این گزارش پیشنهاد میکرد که تسهیلات عمومی اجباری در هند عملی شود. در هند نیز مانند اوایل دوران صنعتی شدن انگلستان تعمیم آموزش عمومی در میان توده های مردم لازم شمرده میشد تا در نتیجه کارگران داهم پرورش یابند (۵)

رشد و افزایش قدرت طبقه سرمایه دار در زمان جنگ، کمک اهمیت و تأثیر خود را در نهفتن سیاست نیز نمایان ساختند. امور سیاسی هم تقریباً از سورت پرست و سنتی پیش از جنگ و نخستین سال های جنگ بیرون آمد و کمک خودرستای ملی متعهد و گوناگون برای پروردن تمدن یک حکومت خودمختار و مانند آن مطرح شد. در نتیجه، حکومت حکومت خودمختار، خودمختار در حد توسعه می یافت، حکومت بریتانیا و هندی ها گوناگونی داد و یک سلسله تقویحات برای اجرای چنین وضعی را در هند شروع کرد که نتیجه عمومی را به خود جلب ساختند.

در تابستان سال ۱۹۱۸ وزیر امور هند در کمیته بریتانیا (چلسفورد) و نایب السلطنه بریتانیا در هند (مرتاگام) گزارشی تهیه کردند که بنام آنها «گزارش مرتاگام - چلسفورد» معروف شد و شامل پیشنهاداتی برای

اصلاحات و تفسیرش در هند می شد. بلافاصله در سرتاسر کشور نسبت به این طرح گشنگوی دامنه داری شروع شد. تکثیر عملی به شدت با این مخالفت کرد و آنها را غیر کالی شمره دیدند زیرا با این پیشنهاد استقلال کردند و به این جهت از گشنگو جدا شدند و به مخالفت با آن پرداختند. وضع هند به این صورت بود که در پایان جنگ در همه جای هند با هیچان و بیقراری منظر تغییرات بریند. حرارت سیاسی کشور دائماً بالا می رفت و این در حالی بود که امپریالیسم بریتانیا از زیر پرده آرام آرام تسلط خود را استوارتر می ساخت.

**جنگ جهانی دوم**  
در یادگار روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ آلمان به لهستان حمله کرد. در عرض مدت یکماه آلمان به یک میلیون سرباز به جبهه فرستاده بود، پس از یک جنگ خروشن و طولناک تسلیم شد و این آغاز جنگ جهانی دوم بود.

بر اساس یک برآورد، کل هزینه جنگ شامل خسارات جنگی، به هزاران میلیارد دلار بالغ شد، تنها مصالغ جنگی در روس حدود ۱۱۵۲ میلیارد دلار رسید. (۶) هزینه این جنگ حداقل ۷ برابر هزینه جنگ جهانی اول بود که در نوع خود یک رکورد به حساب می آید. تلفات نظامی و غیر نظامی آن در حدود ۵۰ میلیون نفر کشته و ۳۳/۴ میلیون نفر زخمی گزارش شده است؛ که علاوه بر این میریون ها نفر از کسوفه مواد غذایی رنج می برند. بیش از ۳۰ میلیون نفر در اثر این جنگ آواره شدند و تمام روابط معنوی اقتصادی حاکم به شدت از هم منقطع شد. برای نانی از جنگ، یکی از مشهورترین نتایج جنگ جهانی دوم در قرن بیستم بود. علاوه بر اروپا و اتحاد نامی جنگ، قسمت قسمت تجهیزات سرمایه ای سالم مانده نیز به دلیل ناکامی نامناسب وضعیت این مسائل شدیداً صدمه خورده بود. ذخایر مواد اولیه اروپا تهی شده و کشورهای آنچنان از این مواد خالی شقیه بود که در کرین میجه آنها نیز به سرمایه های کلانی داشتند. از این چنین از زمین های کشاورزی که ویران گشته بود، بدون استفاده از کرم های شیمیایی مطلوب، بسیار بیش از حد معارف مورد بهره برداری قرار

**\* در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۲۵**  
**ایالات متحده آمریکا تا ۹۴ درصد درآمد اشخاص را به عنوان مالیات اخذ کردو به این ترتیب توانست ۴۱ درصد هزینه های جنگ را از طریق مالیات تأمین کند.**

گرفت و جنبش فاسی ای کشورها در پایان تأمین مواد غذایی مهم بر به ناپدید گشتند. علاوه بر تأمین و نگهداری نامناسب کارخانه ها و کمیود سرمایه گذاری اقتصادی شرایط جنگ جهانی اروپایی به دلیل وجود بدعهدی عمومی سنگین و موج های جدید توریسی پیش از پیش، خراب شد. هر دو بهارین کشور های اقتصادی که در جنگ، چوای اول از سوی طرف های دیگر در جنگ به موقع اجرا شده بود در این جنگ بسیار آسیب دید. جدی تر به اجرا درآمد سهیجه بندی کارهای معمری، به خصوص مواد فلزاتی همه جا برقرار شد. در اروپا بدلیل آنکه مواد فلزاتی اغلب واردات بود اینگونه کشورهای بسیار شدیدتر شد.

**جنگ در موقعیت تجارت و پرداخت های بین المللی**  
کشورهای اروپایی نیز اثر گذاشتند. اروپای غربی پیش طبعی از سرمایه گذاری های خارجی خود را دست مده بود. در نتیجه، حاصل از این سرمایه گذاریها که در سال ۱۹۲۸ حدود ۳۳ درصد صادرات کل را تشکیل میداد، در خلال سال ۱۹۵۱-۱۹۵۰ تنها به رقم ۹ درصد بالغ شد.

بعضی های خارجی جدید اروپا برهم انباشته شد و برای بازپرداخت آنها، چند صادرات این کشورها نسبت به سال ۱۹۳۸ (قبل از جنگ) ۷ درصد افزایش می یافت تا سوی فکتر گشت آنچه را که اروپا به سایر نقاط جهان می فروخت به همان میزان می که نسبت مواد اولیه و مواد فلزاتی گمشوی وارداتی می یافت، کاهش می یافتند.

درآمدهای ناشی از کشتی رانی در حین جنگ در مدت داین کشمی تا حدود نیمی کاهش یافت و درآمد حاصل از صادرات نفتی و بیهی نیز به چنین بلایی دچار شد. بطور کلی اروپای غربی به منظور بود با تلفت به حجم وارداتی معادل واردات سال ۱۹۳۸ (مجموعاً حدود ۸۰ درصد بیش از آنچه در این سال صادر کرده بود، صادر کرد.) (۷)

**مشکلات فراوانی برای دستیابی به چنین افزایشی در پیش بود. برای چنین حرکتی، ابتدا و پیش از اینکه بتواند صادرات وسیعی کشف گیرد، اروپا باید زنجیره مواد اولیه وارداتی مورد نیاز خود را بر سرپرست واردات این کالاها نیز تکیه به از برای خارجی داشت که اروپا از آن بی بهره بود. علاوه بر این، اروپا باید در زمینه های فروش کالاها خود با مشکل روبرو بود. زیرا که سایر نقاط جهان خود به شدت به دلیل به صنعتی شدن داشتند. برخی از کشورهای غربی که کثرت مواد فلزاتی به اروپا مانند آرژانتین، در فروش این مواد به کشورهای اروپایی به میزان بیش از جنگی با مشکلات زیادی روبرو شدند. چرا که کشورهای اروپایی در راه تأمین مواد فلزاتی خود در مقابل کشور روس می کردند. سایر نقاط جهان، مانند اروپا شرقی با فقر و با مایل نبودند که صادرات خود خام خود را به کشورهای اروپای غربی را هم چنان حفظ کنند و بسیاری از کشورها مانند هند در مسیر صنعتی شدن خود تلاش می کردند و از آمریکا میخواستند در اخبارشان قرار دهد. به این دلایل، اروپا برای انجام خریدهای خود بیش از پیش به سوی آمریکا تمایل نشان می داد.**

در خلال دوران جنگ، متفکرین طراح روش های را برای غلبه بر تمامی این مشکلات در زمینه تجهیزات سرمایه ای، تجارت و پرداخت های بین المللی ایجاد کردند. در سال ۱۹۴۲ نمایندگان این کشورها در سازمان ایجاد کردند تا از طریق این سازمان اعتبار لازم برای بازسازی اروپای جنگی توسعه مناطق عقب مانده و تسهیلات زیرساختی را در تحقق ببخشند. این در سازمان بانک جهانی ترمیم و توسعه با سرمایه ای برای ۹/۱ میلیارد دلار صندوق بین المللی پول با سرمایه ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار بود. (۸)

**اقتصاد بریتانیا در زمان جنگ جهانی دوم**

با وقوع جنگ جهانی دوم، بریتانیا به سرعت خود را با شرایط جنگی تطبیق داد و با ایجاد آمادگی در ایجاد مختلف قوانین ضروری و مشخص ساختن به توسعه محلی کشور در همان اولت جنگ متبصص شده بود که برای یک جنگ طولانی حال جنگ ضروری است که در نظام اداری و تسهیلات جنگی نیز تحولاتی ایجاد شود. با به عبارت دیگر تسهیلات و سازمان دولت باید مناسب زمان جنگ باشد. بر این اساس وزارتخانه های جدیدی به شرح زیر بوده آفندند: وزارت تدارکات، اقتصاد جنگی، امنیت کشور اطلاعات، خواربار و کشتی رانی، تولید واره و ترابری (تدبیل به وزارت راه و ترابری جنگ شد) در رأس بانکداری و سازمان دولت، کالاهای جنگ و کسبه های اصلی آن قرار داشتند. این کمیته ها عبارت بودند از: کمیته تولید، کمیته سیاست های اقتصادی، کمیته سیاست های مربوط به خواربار، کمیته سیاست های داخلی و کمیته های برنامه ریزی.

همزمان با گسترش جنگ اقتصادی بریتانیا بطور مؤثری سعی در درختان دولت در امور اقتصادی و به مدد تولید و توزیع کالا و خدمات افزایش یافت. دولت از طریق کسب

تدارکات و خدمات نیروی دریایی، نیروی هوایی، اداره جنگه، وزارت تدارکات، وزارت تولید هواپیما، قسمت قابل توجهی از تولیدات ملی را یا خود تولید و یا خریداری می کرد وزارت تدارکات مسئولیت توزیع این کالاها را به عهده داشت و هم چنین نقش حساس تأمین نیازمندیهای صنعتی نیروهای مسلح به عهده وزارت تدارکات بود.

دولت به منظور تخصیص هر چه بیشتر منابع کشور به نیازمندیهای جنگ، تصمیم گرفت از ادامه فعالیت تعدادی از شرکت های بخش خصوصی که مواد مورد نیاز جنگ را تولید نمی کردند جلوگیری کند و مسئولیت این امر به عهده هيات بازگشايي گذاشته شد. حتی شرکت های که مجاز به فعالیت در زمان جنگ بودند و اساساً مستورالعمل دولت عمل می کردند و اجهاد با بد کالاهای را تولید می کردند که مورد نیاز کشور در حال جنگ بود کارگران مورد نیاز این شرکت ها نیز توسط دولت تعیین میشد و وزارت کار و خدمات اجتماعی این مسئولیت را به عهده داشت.

برنامه ریزی اقتصادی در زمان جنگ نظر به اینکه به جزئیات نیز می پرداخت؛ بسیار پیچیده بود ولی از نظر اصولی بسیار ساده بود چون هدف مشخص بود و آن هدف عبارت بود از تجهیز منابع کشور به منظور پیروزی در جنگ.

زندگی به عمل آورد که سوسپد کالاهای خوراکی از آن جمله بود در تمام مدت جنگ دوم مکانیسم سوسپد بعنوان اجزای وابسته سیاست و خط مشی کلی جنگ مورد توجه دولت قرار گرفت. دولت قیمت ذغال و کربانه را در امن را برای مصرف کنندگان پایین نگه می داشت و کربانه های مسکونی نیز تحت کنترل دولت درآمد تا به این وسیله از افزایش گریزه خانه های مسکونی جلوگیری شود. پوشاک و لوازم بانوای منزل که پس از سال ۱۹۴۱ به بازار عرضه میشد هم از طریق سهمیه بندی و هم از طریق قیمت گذاری تحت کنترل دولت درآمد.

با وجودیکه دولت به مدت هشتاد و یک سال به مصرف کنندگان کالاهای ضروری و تولیدکنندگان کشاورزی محصول ضرر می شد ولی قیمت قابل توجهی از درآمد دولت از طریق عوارض سنگین بر کالاهای غیر ضروری از قبیل تباکو و نوشیدنیهای الکلی قابل تأمین بود. دولت جهت مبارزه با تورم تنها از مکانیسمهای عهد کنترل قیمت ها، کنترل مزد و حقوق، سهمیه بندی کالاهای سوسپد کالاهای خوراکی استفاده کرد بلکه از طریق اعمال سیاست های مالیاتی جدید و سیاست های پولی توانست موفقیت بزرگی در امر مبارزه با ریشه های تورم بدست آورد.



شخص هزینه های زندگی در دوران جنگه اثرات مثبت سیاست های دولت را در مورد تعیین قیمت کالاهای مصرفی به منظور کنترل تورم نشان میدهد

شخص هزینه زندگی هر سال ۲۵ - ۱۹۴۰

| سال  | شخص |
|------|-----|
| ۱۹۴۰ | ۱۲۱ |
| ۱۹۴۱ | ۱۲۹ |
| ۱۹۴۲ | ۱۴۰ |
| ۱۹۴۳ | ۱۲۹ |
| ۱۹۴۴ | ۱۴۱ |
| ۱۹۴۵ | ۱۴۲ |

روش افزایش وام های دولت فرهنگ جهانی دوم از جنگ اول جهانی موفقیت آمیز بود. دولت سرسبه انتشار اوراق قرضه با نرخ های بهره متفاوت و سررسیدهای متفاوت موفق شد با پرداخت حداقل نرخ بهره منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کند و برای این منظور امکاناتی برای پس اندازکنندگان کوچک و بزرگ فراهم آورد. امکانات و وسایلی ایجاد شده برای پس اندازکنندگان کوچک، بانک پس انداز، اداره پست، بانکهای امنی پس انداز، گواهی نامه های پس انداز و قرضه قفاج بود. هم چنین امکاناتی برای پس اندازهای بزرگتر، اوراق قرضه جنگ

اوراق قرضه پس انداز و گواهی نامه ذخیره مالیاتی بود (۹) برای تشویق مردم به پس انداز بیشتر، نهیست پس اندازهای ملی که در زمان جنگ اول جهانی پیرونده بود. تقویت شد. حتی این نهیست تشویق پس انداز بود. به این منظور گروه های پس انداز ملی وابسته به کمیته پس انداز ملی سرانجام تشکیل شد و از احصای مینبر سرستانه و دفاع از مینبر در زمان جنگ بهره براری فراوان میشد.

به این ترتیب، قسمتی از منابع مالی بخش خصوصی از طریق امکانات فوق الذکر بطرف دولت سوق داده شد. باقیمانده منابع مالی مردم و شرکت ها نیز نزد بانکها گذاشته میشد و دولت هم روش هایی را برای استفاده از این منابع مالی فراهم آورده بود.

مهمترین این روش ها بود. استانه خزانه استانه بقره کرانه مدتی بود که معمولاً سررسید این خیلی کوتاه بود (۱۰ روز). این کار دولت را قادر می ساخت که تعهدات طرفی خود را انجام دهد و هم پس از وصول مالیات ها بهی خود را در قبایل استرداد استانه خزانه واریز کند. به مدت محدودی حالتی که دولت در مورد محتاج افراد و سرمایه گذاری بخش خصوصی پیرونده بود افراد و صاحبان منابع مالی در صورتیکه قبلاً در اوراق بهادار دولتی سرمایه گذاری نکرده بودند، اجهاد پولی خود را به بانکها می سپردند.

به این دلایل و هم چنین به علت تورم مجموع سپرده های بانکی از ۷۳۰ میلیون پوند در سال ۱۹۳۹ به ۵۵۱ میلیون پوند در سال ۱۹۴۵ افزایش یافت (۱۰۶ درصد رشد).

### صنعت انگلیس در دوران جنگ

صنایع بریتانیا در طول جنگ، صنایع فراوانی دید. عمده ترین خسارتی که بر صنایع بریتانیا وارد شد و اثر بلند مدتی در برداشت، استهلاک سرمایه هراین کشور بود. نیازهای جنگ آفند ز یاد بود که کلیه منابع کشور باید جهت هدف های جنگ بکار گرفته میشد.

بر اساس برآوردهای رسمی در بریتانیا، تشکیل سرمایه غیر جنگی بطور خاص در سال ۲۱۲ میلیون پوند در سال ۱۹۳۸ به منهای هزار میلیون پوند در سال های ۲۵ - ۱۹۴۰ رسید.

صنایع با مشکلاتی از قبیل مواد اولیه غیر مغربوه عمد تأمین مطمئن این مواد لوازم بدکی و سخت مواجه بود. از میان کلیه فعالیت ها، خرده فروشی، چینی سازی، نساجی، پوشاک و ساختن هر یک نمی از نیروی انسانی خود را از دست دادند. صنایع مالیات های غیر مالیاتی مثل فرش، مرصه نیروی انسانی از دست رفته حتی بیش از ۵۰ درصد بود. کمبود مواد و کارگران ماهر، کیفیت کالاهای تولیدی را کاهش داد و میزان بهره وری صنایع تحت تأثیر اشتغال زنان و کارگران شرمه را شدیداً کاهش یافت.

جنگ اثرات مثبت نیز داشت. به علت تقاضای بخش صنعت و نیروهای مسلح، پیشرفت علمی و تکنولوژیکی پیرونده بود. پروژه فراتر از جنگ پیشرفت صنایع استراتژیک از قبیل ماشین آلات، صنعت هواپیما سازی، ماشین سازی، آهن و فولاد و سایر فرآیندهای شیمیایی بسیار زیاد بود. از میان صنایع، صنایع شیمیایی الکتریکی هواپیما سازی و کشاورزی، مدرنیزه شدند با توسعه یافتند. تحقیقات علمی که پیش از جنگ بطور گراکده و غیر هدفانگه انجام میگرفت، شدیداً مورد توجه دولت قرار گرفت و در نتیجه کشفیات و اختراعات علمی زیادی بفرع پرست و برای اولین بار در زمان جنگ، این اختراعات بکار گرفته شد.

### کشاورزی بریتانیا

سیاست کشاورزی دولت در زمان جنگ دوم، به علت کمبود کشتی و وارن ظراحی بر پایه کاهش وابستگی به خارج قرار گرفت. بر اثر اجرائی این سیاست، تولیدات داخلی از نظر

در جنگ جهانی دوم با توجه به تجربه های که از جنگ اول بدست آمده بود، برنامه ریزی و کنترل اقتصادی شدیدا مورد حمایت دولت و مردم قرار گرفت و از اوایل سال ۱۹۴۰ در بخش های فراوانی در زمینه تکنیک های برنامه ریزی و هم چنین روش های کنترل امور مالی، بحال آمد و در سال ۱۹۴۱ سیاست های مالیاتی جدید، پس انداز اجباری، کنترل قیمت ها، سهمیه بندی کالاهای و سیاست مزد و حقوق توسط دولت اعمال شد.

### سیاست های مالی و پولی دولت انگلیس در جنگ

در زمان جنگ دو، سیاست مالی و پولی دولت دو هدف داشت: هدف اول جلوگیری از تورم و هدف دیگر تأمین هزینه های جنگ تا حد امکان از طریق مالیات.

در هفتده های نخست قیمت مواد و کالاهای که دچار کمبود بود و هم چنین مزد و حقوق افزایش یافت. افزایش مزد و حقوق به نوبه خود به افزایش بیشتر قیمت کالاها شد. در همین مدت گرانده هزینه زندگی ده درصد افزایش یافت و در مقایسه با ماههای اول جنگ جهانی اول، هزینه زندگی در ماههای اول جنگ دوم، افزایش بیشتری نشان میداد. دولت اقدامات اولیه ای برای پائین نگهداشتن هزینه

کاری ۲۰ درصد افزایش یافت و در نتیجه بدون آنکه مردم از دریافت شغای مهم روزباز محروم شوند، ۵۰ درصد واردات مربوط به کشاورزی کاهش یافت. افزایش تولید از دو طریق بدست آمد یکی از طریق افزایش سطح زیر کشت و دیگر از طریق افزایش تولید مزرعه‌ها در زمین سطح زیر کشت از حدود ۶/۴ میلیون هکتار به ۷/۲ میلیون هکتار افزایش یافت.

در زمین‌های جدید قابل کشت محصولات غذایی از قبیل گندم، جو، سیب‌زمینی، هویج، شلغم و مانند آن کشت میشد.

همزمان با افزایش سطح زیر کشت، تولید دهر واحد زمین نیز افزایش یافت. بجز آن مثال کشت دهر هکتار از ۲۳۱ کیلوگرم در سال ۱۹۲۶، به ۱۹۲۶، به ۱۲۳۲ کیلوگرم در سال ۵۰. در سپتامبر ۱۹۲۶ کشت کشاورزی و استفاده از کرم‌های شیمیایی مدت اصلی افزایش تولیدات کشاورزی دهر واحد زمین بود.

در سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۶ تعداد تراکتورهای کشت از ۵۸ هزار دستگاه به ۲۰۳ هزار دستگاه رسید و در همین مدت مصرف انواع کوشیمیایی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت.

بطور خلاصه موقبلت صنعت چسبگری که در بخش کشاورزی کشور بپوشه آمده نتیجه برنامه‌هایی بود که توسط دولت و کمیته‌های جنگی کشاورزی شهرستان به اجرا درمی‌آمد این کمیته‌ها دارای اختیارات رسمی بودند آنها اختیار داشتند که نحوه استفاده از زمین و چگونگی تخصیص کارگر و ماشین آلات کشاورزی و منابع کیمیا ب دیگر را تعیین کنند.

دولت علاوه بر این کنترل‌های مستقیم، از طریق سیاست‌های ملی نیز به رشد و توسعه کشاورزی کمک می‌کرد. هرگونه سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولید چسبگری و تأمین آب مورد نیاز کشاورزی از سیاست سون‌دهنگی دولت بهره‌مند میشد. همچنین دولت برای تشویق کشاورزان از زمین‌های زیر کشت بین ۲۵ تا ۷۵ درصد هزینه ایجاد زیرساخت‌های آب را می‌پرداخت و کشاورزان برای خرید وسایل کشاورزی می‌توانستند از دولت وام دریافت کنند.

همزمان با این اقدام مزرعه‌کاران کشاورزی نیز افزایش یافت تا مزایای کارگران کشاورزی به مناطق شهری برای اشتغال در صنایع اسلحه سازی که به علت نیازهای جنگ به سرعت روبه گسترش بود و کارگران کشاورزی برای دریافت مزد بالاتری می‌آموزند، جلوگیری کند.

اقدام مهم دیگری که باعث آسایش خاطر کشاورزان شد، افزایش امنیت بیشتر در مورد زمین‌های اسبابجاری بود. به این معنی که کشاورزان با اطمینان یافتن از اینکه برای مدت طولانی زمین در اختیار آنهاست تشویق میشدند تا سرمایه‌گذاری بیشتری کنند.

### سیاست‌های رفاهی بریتانیا

دولت بریتانیا در جنگ جهانی دوم اقداماتی را به جهت توزیع عادلانه تر درآمد‌ها و بطور کلی رفاه حال مردم بعمل آورد. بر اساس قانون تأسیس قیمت‌ها و سیاست‌های صنعتی سال ۱۹۴۱ مزد و حقوق در مواردی قابل افزایش بود. این موارد عبارت بود از:

- چای‌که میزان بهره‌وری، افزایش نشان میداد.
- هنگامیکه درآمد کسب از حداقل قابل قبول بود.
- چای‌که در حجم تولیدات تغییر حاصل شده بود.
- بر اساس این قانون درآمد تعداد قابل توجهی از مزد حقوق بگیران افزایش یافت. از طرف دیگر در اثر مالیات سنگینی که به سود افسانگش شرکت‌های بخش خصوصی تعلق میکرد و در نتیجه باعث کاهش درآمد طبقه ثروتمند می‌شد، نوع درآمد به نفع مردم حد درجه افزایش نداشت کرد.
- در اثر این سیاست توزیعی بار مالیاتی بر عهده سود حقوق بگیران در سال‌های آخر جنگ فقط ۱۳ تا ۱۷ بود.

در حالیکه این رقم برای غیرمصرف‌خواری بگیران ۱۳۷۵ تا ۲۲ درصد کل ثروت در زمانی توسط دولت بود.

کالاهای کسب و شغرفروشی که مورد مصرف طبقات مرفه و ثروتمند جامعه انگلیس بود به شدت کاهش یافتند و در نتیجه در زمان جنگ مصرف مواد خوراکی به طور کلی ۱۰ درصد پرتی به قیمت ثابت ۱۶ درصد کاهش یافت. عرضه مواد خوراکی به همان اندازه، زمان صلح باقی می‌ماند (۱۶) در زمان جنگ، مواد خوراکی اساسی همیشه پدید شد و مصرف برآورد گشته، شکر و چای بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. در زمان جنگ پرتی‌ها نیز سهمیه بندی شد.

**✳ در طول جنگ جهانی دوم**

**دولت آمریکا با آنکه به شدت به مکانیسم بازار و عرضه و تقاضا اعتقاد داشت، اما به علت ضرورت های جنگ و تأمین نیازمندیهای کشور به سوی دخالت هرچه بیشتر در امور اقتصادی حرکت کرد.**

میان کالاهای دیگر مصرف تباها، آبجو و هزینه مسافرت افزایش یافت. مصرف سوخت و روشتهای در زمان جنگ تقریباً ثابت ماند اما مصرف پرتی‌هاک به نصف مصرف قبل از جنگ کاهش یافت.

مهمترین اقدامات رفاهی مشتمل که در زمان جنگ دوم انجام گرفت عبارت بود از:

- یک درصد غذای جنگی به کلیه دانش آموزان مدارس بریتانیا، هدف از این کمک این بود که به خانواده‌هایی که قدرت خرید کالاهای سهمیه‌بندی شده را نداشتند، کمک شود.
- گسترش مهندسی کروز برای کمک به مادران بی‌خانمان.
- ارائه نوبت‌ها برای کودکان و مادران باردار.
- توجه مخصوص به کارکنان کارخانجات اسلحه سازی.

**✳ با وقوع جنگ جهانی دوم، بریتانیا به سرعت خود را با شرایط جنگی تطبیق داد و دخالت دولت در امور اقتصادی و به ویژه تولید و توزیع کالا و خدمات افزایش یافت.**

و صنایع غذایی و موزون‌نیزان جنگی - در زمان جنگ دوم، طرح جامع تأمین اجتماعی توسط کمیته‌ای تهیه شد که بر اساس آن طرح کلیه طبقات اجتماعی انگلستان از خدمات رفاهی وسیعی بهره‌مند شدند.

### اقدامات آلمان در جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم، در آلمان که مدتها قبل از جنگ خود را برای نبرد آماده ساخته بود، با اجرای یک برنامه عظیم تبلیغاتی برای بیگانگان کار تهیه شد. در هنگام جنگ آلمان بدل به مدینن جنگی شده بود. صنایع کشور آلمان تبدیل به صنایع نظامی شد که مهمات و تسلیحات نظامی مورد نیاز جنگ از تولید میکرد. کارخانجات اسلحه سازی با تمام کار می‌کردن، کارهای جنگی را در زمینه نیروی تولید، دریایی و چه در مورد نیروهای زمینی گسترش پیدا کرد. میلیونها کارگر در کارخانجات اسلحه

سازی به کار پرداخته و مبارزه‌ها را سود سرمایه‌داران از این طریق تأمین می‌شد. کارخانجات تولیدی راگد مانند بود.

بطور کلی در جنگ جهانی در آلمان و در بسیاری مشاغل، عوامل تولید از بخش تولید کالا و خدمات غیر جنگی به تولید کالا و خدمات جنگی منتقل شد.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۲ بیش از ۷۳۶/۰۰۰ کارگر آلمانی، علاوه بر تعداد بسیار کمتر آلمان جنگی که به مانند کمونیسم اصالت شاقه کارکنانهای آلمان اشتغال داشتند، به سازمان آلمان فرستاده شدند. یهودیان نیز محکوم به کار اجباری شدند و در شرایط زندگی بسیار سخت کار میکردند.

آلمان‌ها بطور کلی، میلیونها نفر از مردم فرانسه، لهستان و سایر کشورهای اروپای شرقی را به برده‌ای آلمان‌ها و تحت امرت تبدیل در صنایع جنگی خود بکار گرفتند. آلمان‌ها کشورهای تحت اشغال را محروم کردند که کارگران متخصص به حجه اعزام دارند و به این منظور در اروپا شرقی در سال ۱۹۴۲، تلیفات دامنه‌داری برقرار شد و کارگران را دعوت کردند که به عقد قرارداد آلمان اجبر و مشغول کار شوند. برای این منظور دستفروهای فراوان وعده دادند و از طرف دیگر، کارخانه‌ها در آن کشورها بسته و کمک مالی به بیگانگان را حلق کردند.

با این زمینه، آنها تنها توانستند ۲۰۰۰/۰۰۰ نفر را به کار اجباری وادارند. در نتیجه دست بکار شد، آلمان را بکار اجباری وادار کردند. (۱۱)

با این ترتیب در سال ۱۹۴۲ در آلمان ۱۰ میلیون کارگر به تهیه مهمات جنگی اشتغال داشتند. این عمل به منظور انجام شد. اولاً صنایع آلمان را به علت فراواندن جوانان اعزامشان به میدان‌های جنگ تقویت کنند. ثانیاً نیروی انسانی غربی صنعتی و اقتصادی اشتغال شده را به حداقل کاهش دهند.

### ✳ آمریکا در جنگ دوم

در ایالات متحده، صنایع اساسی مانند تولید آلومینیم، نپروژن، منیزیم، مس، سیمک، فولاد و ذغال سنگ، گسترش طبیعی پیدا کرد. امر به دلیل آن بود که ایالات متحده، زمامت‌های اقتصاد متعلق بود و به منظور انجام وظایف نظامی خود، این کشور مجبور به گسترش تولید همه آن چیزی شد که قبلاً از خارج وارد می‌گرفتند. بنابراین در پایان جنگ ایالات متحده و در سطحی بالاتر از آن، کشورهای کانادا و استرالیا، ظرفیت تولیدی را برای همه آن چیزی که در جهان صنعتی داشت، در اختیار داشتند.

در آمریکا با وجود اعزام ۱۱ میلیون نفر به زیر پرچم، با استفاده از افراهِ بازتسعه و زنان و افرادی که مصولاً در چنین سمتی نباید در محیط‌های آموزشی باشند، تعداد کارگران افزوده شد.

آمریکا به همه کارخانه‌های مهم صنعتی دستور داد تا به صورت شبانه روزی و هفته‌ای هفت روز بدون وقفه کار کنند. روزولت در پیام سالانه خود به کنگره، در زمانی که ۱۹۴۲، برآمده‌ای برای تولید اسلحه پیشنهاد کرد که هرگز در جهان سابقه نداشته، این برنامه برای سال ۱۹۴۲، ساختن ۶۰ هزار هواپیمای ۲۵ هزار تانک، ۲۰ هزار توپ ضد هوایی و ظرفیت ۸ میلیون تن کشتی را مقرر داشت. (۱۲)

وسایل دولتی برای تهیه تدارکات بکار افتاد سیستم عادلانه‌ای برقرار شد. صنایع مهم جنگی مورد تشویق قرار گرفت و اداره‌های برای مراقبت قیمت‌ها تأسیس شد تا از بالا رفتن قیمت‌ها جلوگیری کند.

هزینه نظامی دولت ایالات متحده در این جنگ، تقریباً بالغ بر ۳۰۵ میلیارد دلار شد. با احتساب بهره‌پرداختی به دهه‌های گذشته، جمعاً بالغ بر ۲۳۵ میلیارد دلار بود. در سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۴۲ تولید ناخالصی ملی ایالات متحده بطور مداوم افزایش یافت. (۱۳) ۱۹۵۸/۱، ۱۹۲۶/۵، ۱۹۱۲/۴، ۱۹۰۷/۱، ۱۹۰۲/۴ و در سال ۱۹۲۵، تولید ناخالصی در حدود ۲۱۲/۶ میلیارد دلار و تخمین زده شد. (۱۴)

در سال ۱۹۲۲ فقط ۷ درصد تولید ناخالص ملی این کشور صرف هزینه دولتی میشد، در حالیکه این رقم در سال ۱۹۲۴ به ۵۰ درصد افزایش یافت. این رقم مزید آنست که ایالات متحده آمریکا با وجودیکه مستقیماً درگیر جنگ نبود و دولت شدیدا به مکتایم بازار و سیستم قیمت با افزایش داشت، هم چون دیگر کشورهای سرمایه داری غرب به علت ضرورت های زمان و جهت تأمین نیازمندیهای کشور مجبور به سوی دخالت هرچه بیشتر در امور اقتصادی حرکت کند.

دولت مرکزی ۴۱ درصد هزینه های جنگ را از طریق مالیات ها تأمین می کرد. باقی مانده هزینه جنگ نیز از طریق اوراق قرضه و استقراض تأمین می شد. جمعا ۲۰ میلیارد دلار اوراق قرضه به سپرده گذاران کوچک و ۶۰ میلیارد دلار از این اوراق به افراد شرکت ها فروخته شد. علاوه بر آن دولت ناچار شد ۸۷/۵ میلیارد دلار منابع مورد نیاز باقی مانده را از طریق رجوع به صندوق رزرو آمریکا و بانکهای بزرگاتی این کشور تأمین مالی کند.

در خلال سال مالیات ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵ دولت جمعا ۱۶۸ میلیارد دلار از مردم مالیات گرفت و مالیات بر درآمد برای گروه های که قبلا از پرداخت آن معاف بودند وضع کرد. مالیات بر مزم و حقوق با توجه به سهولت آن مستقیماً از درآمد افراد کسر می شد. مالیات های سنگین تری بر درآمد های بالا وضع شد و در سال ۱۹۲۲ بالاترین نرخ مالیات بر درآمد های شخصی ۹۴ درصد بود.

تأمین کوشش های انجام شده از سوی نهادهای دولتی، استقراض سرمایه ها به سوی تولیدات جنگی امیدبخش نبود و به یقین ها بسیار آهسته بود و کارفرمایان هیچگونه چاره جویی لغی مناسبی برای سرمایه گذاری در طرح های جدید تجهیزات را اختیار نداشتند. برای بهبود اوضاع چند اقدام باید صورت میگرفت، اولی باید سرمایه های که احتمالا ممکن بود به صورت سرگردان وارد بازار شود مهار میشد. ثانیاً باید تأییدی آشپدیده میشد که این سرمایه ها پس از این مرحله به سبب فعالیت های تولیدی حرکت کند. ثالثاً تولیدات جدید باشد که در چنین شرایطی مورد نیاز است.

با توجه به مراتب فوق الذکر دولت ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت میزان فعالیت های اقتصادی خود را بیش از

## تحولات کشاورزی ژاپن در جنگ

### جهانی دوم

پیش از جنگ دوم حدود یک میلیون مالک زمین های کشاورزی در ژاپن وجود داشت که در کشاورزی اشتغال نداشتند و بزرگ مالکان آنها در زمینه های صنعت، معدن و تجارت به فعالیت مشغول بودند. محصول اصلی کشاورزان برنج بود که بیش از ۵۵ درصد زمین های زیر کشت را در برمیگرفت.

در همان دوران قبل از جنگ کشاورزان ژاپنی با استفاده از ابزار اصلاح شده و مرغوب و گروه شیبساتی تولید برنج در واحد سطح را بنابر برابر افزایش دادند و در مورد

**✽ دولت بریتانیا در تمام مدت جنگ دوم برای پایین نگاه داشتن هزینه زندگی با مکتایم پرداخت سوسپسید به کالاهای خوراکی و کنترل اجاره خانه های مسکونی و سهمیه بندی و قیمت گذاری آنها از افزایش قیمتها به شدت جلوگیری کرد.**

بعضی محصولات تولید در واحد سطح حتی از دو برابر هم بیشتر شد. در اثر این افزایش تولید نیاز به کالاهای خوراکی و وارداتی کاهش یافت. بطوریکه در سال های پیش از جنگ دوم فقط ۴۰ درصد برنج مصرفی مردم ژاپن از خارج وارد میشد.

در دوران جنگ دوم جهانی قسمتی از زمین های استیانت بخش کشاورزی جذب نیروهای مسلح و صنایع نظامی شد و تولیدات کشاورزی حتماً به علت کمبود کوعالی شیبساتی و کاهش زمین های زیر کشت تنزل پیدا کرد.



برخلاف انگلستان که در دوران جنگ دوم جهانی توانست کمبود نیروی انسانی در بخش کشاورزی را با گسترش مکانیزاسیون کشاورزی جبران کند در ژاپن حتی دست یابی به سهولت ترین ابزار و تجهیزات کشاورزی برده مشکلات، تولیدات و میزان بهره دوری در بخش کشاورزی به خصوص پس از سال ۱۹۲۲ رو به کاهش گذاشت.

در سال ۱۹۲۲ شاخص تولیدات کشاورزی ۷۷/۶ گزارش شده است. برعکس آنکه این رقم در سال ۱۹۲۷/۶ ۱۱۰/۶

برده است. (۱۹۲) پیش از کاهش تولید کشاورزی در دوران جنگ دوم، ساختار تولیدی این بخش دچار تحولاتی شد بر اساس سیاست اعلام شده توسط دولت. زمین های زیر کشت محصولات غیر خوراکی برای کشت محصولات غذایی اساسی ارتقا کسب نمود. چوب و صیبه زمین، مورد استفاده قرار گرفت و به این ترتیب تولید این کالاها در سطح پیش از جنگ دوم باقی ماند.

### تجربه شوروی در جنگ جهانی دوم

در ژوئیه سال ۱۹۴۱ کمیته دفاع ملی شوروی کسپینو را در سرپرستی رئیس گروه برنامه ریزی دولتی این کشور تشکیل داد تا ترتیبی اتخاذ کند که دفاع از کشور را تسخیر و بهره گیری مطلوب از منابع و تسهیلات تولیدی و صنایع سنگین انتقال می یافت. اما در این رابطه انتقال صنایع سنگین غیر ضروری بسیار مشکل بود یعنی برای انتقال واحدهای بسیار ظریف مانند واحدهای تولید آهن و فولاد و نیروگاه های برق، می بایست تعداد این کارخانجات ابتدا پیمان و سپس در کارخانه های بازی بارگیری و مجدداً در مناطق امن نصب می شد. هدف این کارشناسان نیز زیر باران شدید انجام میگرفت.

در خلال ماه های ژوئیه تا نوامبر سال ۱۹۴۱ جمعا ۱۵۲۳ کارخانه شامل ۱۳۳۰ واحد بزرگ انتقال یافت و در منطقه سیردی و ولگا و قزاقستان شوروی مجدداً شروع به فعالیت کرد. کارکنان نیروگاه های برق کشور تقسب بسیار با اهمیت را در این زمینه بازی کردند و واحدهای تولیدی در آخرین زمان باقی مانده تخلیه میشدند.

انتقال صنایع از بخش غربی به شرقی کشور که بر اثر پیروزی برنامه ریزی از پیش تنظیم شده انجام گرفت، یکی از با اهمیت ترین اقدامات و تجربیات در جهت بکارگیری امکانات اقتصادی شوروی در زمینه های جنگی محسوب می شد.

تأکیدات زمان جنگ شوروی (۱۹۴۰=۱۹۲۰)

| شاخص های اساسی  | ۱۹۲۱ | ۱۹۲۲ | ۱۹۲۳ | ۱۹۲۴ | ۱۹۲۵ |
|---|------|------|------|------|------|
| ۱- درآمد ملی  | ۹۲   | ۶۶   | ۷۴   | ۸۸   | ۸۳   |
| ۲- محصول کل صنایع شامل تولید ناخالصی، استخراج، برابریها | ۹۸   | ۷۷   | ۹۰   | ۱۰۴  | ۹۴   |
| ۳- محصول کل مزارع                                       | ۹۸   | ۱۸۶  | ۱۸۶  | ۲۰۱  | -    |
| ۴- سرمایه گذاری توسط دولت و خانوارها                    | ۸۶   | ۵۳   | ۵۳   | ۷۲   | ۸۹   |
| ۵- تعداد کارگران کارخانجات و واحدها (درصد ۱۰۰٪)         | ۸۸   | ۵۹   | ۶۲   | ۷۶   | ۸۷   |
| ۶- هزینه فردی توسط دولت و خانوارها                      | ۸۴   | ۷۲   | ۷۲   | ۷۷   | ۶۵   |
| ۷- درآمد بروجه دولت                                     | ۹۸   | ۶۲   | ۱۱۳  | ۱۲۹  | ۱۶۸  |

## اقتصاد چین از جنگ اول جهانی تا تسلیم ژاپن

صنایع چین در خلال جنگ اول جهانی بواسطه قطع شدن کالاهای مصرفی خارجی بیشتر ضایعاتی کرد از طرف دیگر تقاضای زیادی برای کالاهای صادراتی این گروه داشت. بین سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ تولیدات صنعتی تقریباً سه برابر شد ولی رونق صنایع که در نتیجه بروز جنگ

بروجه آمده بود نتوانست ریشه پیدا کند و رشد آن در سال‌های سی تا خاتمه جنگ جهانی یافت.  
بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ به خاطر مشکلات فلاحات دولت در اقتصاد و نیز به جهت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، به ویژه سرمایه‌گذاری ژاپن در منچوری، صنایع چوب در کانتا بر کشورش بر تعداد کارخانه‌های مدرن که در سال ۱۹۲۰ تنها ۸۰۸ واحد بود در سال ۱۹۳۳ به ۳۳۵ واحد رسید صنایع نساجی هارای ایران رشد کرد و به ۴۲۴ درصد منجر شد صنایع نساجی را فراغ منحصراً افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در چین مرتباً ادامه داشت و در سال ۱۹۳۶ به ۲۳۸۲۷ میلیون دلار رسید (۱۶).

در فاصله جنگ جهانی اول و شروع جنگ چین و ژاپن در سال ۱۹۳۷، چین در زمینه حمل و نقل عمران پیشرفت‌های گوناگون در طول خطوط راه‌آهن که در سال ۱۹۱۱ برابر ۵۸۵ کیلومتر بود در پایان سال ۱۹۳۵ به ۹۳۳۳ کیلومتر افزایش یافته در چین شاهراه‌های بزرگ وجود نداشت تا سال ۱۹۳۱ تنها ۳۳۳ کیلومتر شاهراه ساخته شد و طول شاهراه‌ها در پایان سال ۱۹۳۵ به ۵۹۰۰۰ کیلومتر شد مسافت پرواز هواپیمائی داخلی که در پایان ۱۹۳۹ آغاز شد در سال ۱۹۳۵ به ۱۶۸۰۰۰۰ کیلومتر سفر یافته بود حمل بار بوسیله کشتی بین سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۵ از ۸۷/۰۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰۰ تن افزایش یافت.

رشد صنایع مدرن و حمل و نقل با شروع جنگ چین و ژاپن متوقف شد. کارخانه‌های مستقر در مناطق ساحلی، با تشویق و کمک دولت باهدف خاک جنگ و حفظ استقلال مسافت داخلی کشور وسایل و لوازم ۶۳۹ کارخانه و معدن نصب شد. کارخانه‌های جدید یابی هم در زمینه صنایع اساسی بوسیله دولت تأسیس شد. تعداد کارخانجات ایالات داخلی چین که در اوایل سال ۱۹۳۷ حدود ۵۰۴ واحد بود در پایان سال ۱۹۳۳ به ۳۳۳۸ واحد رسید.

یکی از خصوصیات بزرگ اقتصاد ژاپن زمان جنگ چین، توسعه باقی‌مانده سریع کارخانجات صنایع عمرانی بود در سال‌های پیش از جنگ معادن و کارخانجات معدنی بدون بدولت تعلق داشتند. ولی در سال ۱۹۲۲ پیش از آغاز درصد ۱۲ درصد از صنایع معدن را در تصرف نیروی کار که تعداد آنان به

۴۴۰۰۰۰ تن می‌رسید در استخدام صنایع معدنی در ایالت نانتو کنترل دولت چین بود. بر حسب ارزش ناخالص تولیدات صنعتی به قیمت‌های پیش از جنگ تولیدات صنایع معدنی در طول سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ به ۳۳۰۰ درصد رشد کرد کارخانجات بخش خصوصی در همین مدت ۸ درصد بوده است. در همین مدت سهم تولید کارخانجات دولتی در کل تولیدات صنعتی از ۱۵ درصد به ۳۶ درصد رسید.

در اثر جنگ، موسسات عمرانی صنایع تولید آهن، فولاد، مواد نفتی و الیاف پنبه‌ای را در اختیار گرفتند. در حالی‌که قسمت اعظم تولید برق، زغال سنگ و فرآورده شیمیائی و پارچه‌های پنبه‌ای در دست بخش خصوصی باقی ماند.

بطور کلی تولیدات صنعتی استان‌های داخلی چین در طول جنگ تا سال ۱۹۳۳ روند صعودی داشت ولی در دو سال پس از آن روند مذکور متوقف شد. علت آن این بود که طرف بیرون عائلین آلات و مواد خام خارجی بواسطه محاصره چین توسط ژاپن و از طرف دیگر احتکار و بزرگ‌سازی بخش‌های صنایع داران و شرکت‌های خصوصی به جهت بروز تورم پولی بود تولیدات صنعتی در چین نشان داده شد در زمان جنگ نوسانات داشت. در سال ۱۸ ماه اول جنگ ژاپنی‌ها تقریباً کلیه مراکز مهم صنایع چین را تصرف کردند منطقه منچوری هم از سال ۱۹۳۲ در تصرف ژاپن بود. در دو سال اول، کوشش‌های ژاپن این بود که مراکز مهم صنایع آسیب دیده و صنایع را که در داخل چین بین انتقال یافته بود باز سازی کند و توسعه دهد ژاپنی‌ها بسیاری از صنایع صنایع و شرکت‌های در حال توسعه را به منظور کنترل و قطع مذاکات فشرده با چین جمعاً سازمان دادند.

پس از شروع جنگ مداخلت‌های آلمان، به استناد منچوری اقتصاد ایران قسمت‌های انتقالی غیر نژادی داشت و تا پایان تسلط ژاپن بر آن کشور بهبود نیافت. اما وضع توسعه منچوری متفاوت بود هدف ژاپنی‌ها این بود که صنایع سنگین را در منچوری پایه‌گذاری کند. در مدت ۱۲ سال که ژاپنی‌ها بر منچوری تسلط داشتند برابر ۲/۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صنعتی کردند. در نتیجه تولیدات صنعتی منچوری در سال ۱۹۲۵، ۵/۱۵ برابر سال ۱۹۲۳ با ۱۱۳۲۳۳ دلار با عبارت دیگر سالانه ۱۲ درصد رشد کرد. به ۳۰۰ تن از تسلط ژاپن در پایتخت ۱۹۳۵، مردود چین. بیش از ۵۰۰ واحد تأسیسات صنعتی و معدنی را که در خاک اصلی چین، منچوری و نیانبر، منگولیا و با غیر مستقیم تحت کنترل ژاپن بود، در اختیار گرفت. خط چوب برآورد. صادرات وارده به صنایع و حمل و نقل در چین از ژوئیه ۱۹۳۳ تا اوت ۱۹۳۵، ۱/۸۸ میلیارد دلار بود. منچوری باقی‌مانده وسایل، تجهیزات که می‌تواند نیروی سرخ‌پوست ژاپن از منچوری خارج ساخت. بالغ بر ۲ میلیارد دلار بود استند. (۱۷)

### روند حرکت اقتصادی جمهوری

#### دمکراتیک و پیمانام

جمهوری دمکراتیک و پیمانام همراه با میزبانی برای آزادی و پیمانام جزوی از شکل‌گیری و تکامل کردن آن در پیمانام شمالی و تشکیل یک دولت دمکراتیک مستقل بر طبق اصول کنفرانس ژنو، در سال ۱۹۵۴. تلاش‌های خود را عمدتاً متوجه بازسازی اقتصادی ایران در کشور در اثر جنگ کرد. مهم‌ترین وظیفه این بازسازی، تکمیل اصالت‌های ارضی آغاز شده در جریان جنگ با فرانسوی‌ها بود. در آن زمان، دولت جمهوری دمکراتیک و پیمانام کمک و دارائی‌های استعمارگران فرانسوی و ویتنامی‌ها را که به کشورشان خیمات کرده و شرکت‌هایشان را با شرکت فرانسوی‌ها گره زده بودند، تصفیه کرد این افکار که می‌تواند در دهان تاریخ و کوزمین نقش برجسته بود.

در جریان سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ به عهد استعمار را به عنوان یک طبقه اجتماعی پایان داده شد. تمام زمین‌ها و اقسام و مداخلات فاشیسان به دستان واگذار شد. این اقدام برای واگذاری زمین به کسانی که آن را کشت می‌کنند با استقبال چندین میلیون نفر روبرو بود. در سال ۱۹۵۶ میزان تولید برنج به ۲۰۰۰۰/۱۳۲۰ تن رسید که در مقایسه با رقم ۲۰۰۰۰/۲۲۴۷ تن یعنی بیست‌و یکم از این رقم در سال ۱۹۳۳ و در دوران حکامیت فرانسویستین، بیش از دو برابر شده بود.

پدیده‌های اصلاحات ارضی، ملی کردن معادن آب‌و‌هوا، جنگ‌های زمین‌های بکر و کارخانه‌های مصفاه شده در استعمارگران فرانسوی و انگلیسی ویتنامی، مسوولان کارخانه‌های ساخته شده توسط مردم، در جریان جنگ آغاز شد.

تا پایان سال ۱۹۵۷ بازسازی اقتصادی ملی‌ها پایان رسید. در این حال تمام کل تولیدات کشاورزی و صنعتی کالاهای صنعتی، به سطح سال ۱۹۳۱ رسید در سال ۱۹۵۸ دولت به اقدامات بیشتری برای اجراء اصلاحات سوسیالیستی دست زد شرکت عظیمی در جهت تقویت تولیدهای کشاورزی به راه افتاد و در نتیجه آن اکثریت عظیم دقانان از انواع کارگران تعاونی پذیرفته شدند. تمام مؤسسات خصوصی صنعتی، بازرگانی و حمل و نقل، عملاً به صورت مؤسسات مخلوط دولتی، خصوصی ایجاد سازمان یافت و این به محدوده شدن استعمار کارگران متعده شد. در سال ۱۹۵۶ حجم تولیدات صنعتی به حد برابر سال ۱۹۵۵ رسید (۱۸).

به ابتکار کارگران تیمسار، دولتی‌های در خارج کشور سرمایه‌های سراسری برای افزایش تولید در کشور آغاز شد. بالا رفتن سطح تولید در صنعت و کشاورزی به طرز چشمگیری

موجب بالا رفتن سطح زندگی مردم شد. در سال ۱۹۵۲ مرادمانی دقانان در مقایسه با دوران حکامیت استعماری دو برابر بود. در دولت جدید برای حل مسأله دشوار مسکن گزیده بود. بطوریکه اجاره خانه در محلات کارگری و سکونت گنهای مساور کارخانه‌ها بیش از دو یا سه درصد افزایش کارگران نسج نسج در صورتیکه سابقاً ۳۳ درصد درآمد کار صرف کرایه خانه میشد.

در سال ۱۹۶۱ محافل حاکم ایالات متحد آمریکا مناقشه مسلمان در ویتنام جنوبی را به منظور سرنگونی این حکومت می‌رساند و صحت طبایفه مردم علیه دیکتاتوری (آنها) که آن پیش از کشور را در زیر سلطه پلیسی خود گرفته بوده آغاز کرد.

جنگ تجاوزکارانه آمریکا در ویتنام جنوبی، ماه به ماه با افزایش بود بیشتر سران آمریکا، ابتداء کشته‌تری به خود می‌گرفتند. اعتراضات آزادی‌بخش ملی ملازمان به مقابله و طرقات و نیروهای چریکی، مهاجمان را در همه جبهه‌ها به وضعت اشغال. در اوت ۱۹۶۲، ایالات متحد آمریکا ضمن اعلام تلاش برای به توقف فرود آمدن مردم ویتنام جنوبی، دامنه جنگ را تا ویتنام شمالی گسترش داد.

آغاز جنگ تسخیری کلی در زندگی جمهوری دمکراتیک ویتنام پدیدار آورد. دهها هزار مرد و زن به نیروهای مسلح و دسته‌های جنگی که برای خدمت به حمل و نقل و بازسازی ویرانه‌ها تشکیل شده بود پیوستند. صنایع حمل، مخصوصاً برای تأمین بیشتر تقاضای و با توجه به خودکفائی اقتصادی استانها، از توجه خاصی برخوردار شد.

تنها از ژانویه ۱۹۶۵ تا نوامبر ۱۹۶۷ مهاجمان آمریکائی به بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن بسط بر روی ویتنام ریخته که از این تری از آن بر روی جمهوری دمکراتیک ویتنام ریخته شد (۱۹).

اما آمیدهای امپریالیست‌های آمریکائی به زانو فرود آمدن جمهوری دمکراتیک ویتنام به پاسی می‌شد. در تلاقی این شکست، اجرائی موفقیات‌آمیز برانده وسایل رشد اقتصادی از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷ بود که در برخی از این سال‌ها تولیدات نیز فراتر رفت.

#### زیر نویس‌ها

- ۱- نگاشته به جهان در قرن بیستم (لوئیس ل. استاینر) صفحه ۲۲۴
- ۲- گروه‌های بی‌تحرکت اقتصادی در جنگ جهانی- جزوه سازمان برنام و بوجه
- ۳- همان منبع
- ۴- تاریخ اقتصادی ایران - صفحه ۳۳۰
- ۵- نگاشته به تاریخ جهان - جلد ۲ - صفحه ۱۹۹۱
- ۶- همان منبع
- ۷- همان منبع
- ۸- همان منبع
- ۹- گروه‌های تازه فشرده مالیات- استاد بهادر و غیر قابل انتقاد که در ترکمنها و اجتماعی می‌توانستند مردمی را که برای پرداخت مالیات کنار گذاشته‌اند تا زمان پرداخت مالیات سرمایه‌گذاری کنند و در همین حال بهره دریافت دارند.
- ۱۰- همان منبع
- ۱۱- اقتصاد ایالت در جنگ جهانی دوم - در نظریات گروه اقتصاد - صفحه ۱۲
- ۱۲- همان منبع
- ۱۳- مدیریت اقتصادی بعد از جنگ و تجربه سازمان ژاپن و انگلستان - جزوه سازمان برنام
- ۱۴- همان منبع
- ۱۵- اقتصاد چین - تلفیق تالی رونق چین و واقع گارسون - صفحه ۲۳
- ۱۶- همان منبع
- ۱۷- همان منبع
- ۱۸- تاریخ مختصر جهان - صفحه ۲۲۵
- ۱۹- همان منبع